

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب(س) و روز پرستار:

تاریخ نهضت و انقلاب اسلامی مملو از صحنه‌های حضور زینبی بانوان و دختران ایران است



رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب(س) وروز پرستار با اشاره به نقش احیاگر و امیدبخش پرستاران و تأثیرگذاری مهم آنان در سلامت و امنیت جسمی و روحی جامعه، مسئولان حوزه سلامت را به توجه ویژه به جامعه پرستاری توصیه کردند. به گزارش ایستادن پیام آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب به مناسبت روز پرستار به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
پنجم خُمادی الاولی در هر سال، یادآور میلاد مبارک بانویی است که در سایه محبت و تربیت و ملازمت خُمسه طَیبه صلوات الله و سلامه علیها و علیهم که برترین‌های خلقت الهی به شمار می‌روند بالید، پرورش و رشد زینب کبری سلام الله علیها در این مکتب نورانی در طی بیش از پنجاه سال، انچنان جلوه‌ای رنگارنگ از عناصر شرافت و برتری در این ستاره درخشان اعصار بروز داد که همواره مایه تمجید و تحسین و مباحثات اولیاء الهی بوده است. اوج این درخشش در حماسه عاشورا رخ داد. از یک سو بذل بی مُنتهای شفقت و خیرخواهی و غمخواری صورانه نسبت به مظلومان دشت کربلا؛ و از سوی دیگر از ارجمندترین نمادهای صلابت و شجاعت بودن.

تاریخ نهضت و انقلاب اسلامی از ابتدا، مملو از صحنه‌های حضور زینبی بانوان و دختران ایران است. این امر در دوره بعثت بی‌پدیل ملت که در دفاع مقدس سوم رقم خورد، کیفیت و کمیتی شگفت‌آور یافت. اینک بانوان زینبی ایران اسلامی، با حضور پررنگ خود در عرصه‌های مختلف به‌خصوص میادین در شهرها و روستاها، پیشگامان تبیین عملی و مقاومت در پشت خطوط جنگ سخت هستند؛ به‌طوری‌که طاغوت‌های زمانه که همواره رنج و درد سرکوب این ملت را می‌خواهند، در خود یاری مقابله با این لشکر انبوه را نمی‌بینند.

روز میلاد زینب کبری را مردمان سرزمینی که دل‌داده عترت طاهره صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین بوده از سر ملاحظه وجه مهربانی و هم‌زبانی با دردمندان و قداکاری ورزیدن نسبت به ایشان، بحق روز بزرگداشت مقام پرستار دانسته‌اند. چرا که بسیاری از این صفات اخلاقی و ارزش‌های انسانی در قشر زحمتکش و ارزشمند پرستار مشهود است. نقش پرستار همچون بعضی دیگر از اقشار از قبیل اطباء، معلمین و مربیان، روحانیون و امدادگران، نقشی احیاگر و امیدبخش است. از این رو به پرستار، گاه چون فرشته رحمت نگریسته می‌شود و آن، وقتی است که در برابر کج خلقی و بی‌تابی اشخاص دردمند و رنجور، موجبات آرامش و امیدو بهبود و علاج بیماران و در نتیجه، نزول رحمت الهی را فراهم می‌سازد. البته نقش پرستاران در درمان بیماران برخلاف طبیبان، نیازمند حضوری ممتد، پیگیرانه و صبورانه است. تأثیر این قبیل حضور فراتر از امورات جسمی بوده و مرهم آلام روانی و روحی و مانع از غلبه ناامیدی در بسیاری از موارد خواهد بود. این گونه است که آنچه از عهده طبیبان خارج است، با ایفاء این نقش دلسوزانه به‌انجام می‌رسد. در زمانه‌ای که شبکه خبیث استکبار از هیچ سعی برای وارد ساختن انواع ظلم و جنایت بر ملت‌های آزاده و مقاوم خصوصاً ملت ایران خودداری نمی‌کند و از جمله با ایجاد انواع محدودیت‌های مربوط به امور درمان و دارو به دنبال تحمیل رنج بر ملت بزرگ ایران است، توجه به پرستاران، تقویت جامعه پرستاری، حفظ و ارتقاء دانش، مهارت، توان، نشاط، انگیزه و کرامت پرستاران خصوصاً آن‌ها که خود را وقف تلاش در نهادهای غیر خصوصی کرده‌اند تأثیر مهمی بر سلامت و امنیت جسمی و روحی جامعه دارد. از این انتظار است که مسئولان عرصه سلامت در امتداد رفتارهای متعهدانه خود، این امر مهم را دارای اولویت بدانند.

بنده این دو مناسبت را به ملت عزیز، بانوان وظیفه‌شناس و پراراده میهن اسلامی و به‌طور خاص به خواهران و برادران پرستار تبریک عرض می‌کنم. در پایان برای شهدای مظلوم و فداکار جامعه پرستاران خصوصاً شهدای پرستار در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و فتنه دی‌ماه ۱۴۰۴، رحمت الهی را مسئلت نموده و امیدوارم با دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، خداوند متعال به ملت ایران، عزت و اقتدار بیش از پیش و هر آنچه که شایسته پیروی از مکتب زینب سلام الله علیها است را عنایت فرماید.

در اجلاس سران هفدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی

پزشکیان: جنگ‌های تجاوزکارانه «نسل‌کشی زیست محیطی» است

رئیس جمهوری با محکوم کردن آثار مخرب جنگ‌های تجاوزکارانه بر طبیعت، آن را «اکوساید یا نسل‌کشی زیست محیطی» خواند و از جامعه بین‌المللی خواست سازوکارهای مؤثر، شفاف و قابل اجرا برای حفاظت از میراث طبیعی و تنوع زیستی در زمان جنگ ایجاد کند. مسعود پزشکیان روز جمعه، در اجلاس سران هفدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی که در ایروان برگزار شد، جنگ را نه فقط تهدیدی برای انسان‌ها و زیرساخت‌ها، بلکه عامل مستقیم نابودی طبیعت دانست.

رئیس جمهور همکاری در زمینه‌های زیست محیطی را پلی میان ملت‌ها دانست و تصریح کرد: متقدیم حفاظت از تنوع زیستی می‌تواند یکی از عرصه‌های مهم «دیپلماسی صلح» باشد. در منطقه‌ای که با بحران‌های امنیتی ناشی از حضور غیرقانونی و توسع‌طلبانه قدرت‌ها، تحولات اقلیمی، کمبود آب و تخریب اکوسیستم‌ها مواجه است، همکاری در زمینه محیط زیست می‌تواند پلی میان ملت‌ها ایجاد کند. پلی که مسیر را برای دستیابی به صلح و امنیت برای همه، صلح با طبیعت و آینده‌ای با زندگی همسو و هماهنگ با طبیعت هموار می‌کند. مسعود پزشکیان در حاشیه این اجلاس، با نخست‌وزیران ارمنستان و گرجستان هم دیدار و گفت‌وگو کرد. رئیس‌جمهور دیشب به تهران بازگشت.

در هفته‌های اخیر فضای سیاسی داخلی در حال رادیکال شدن است و متأسفانه برخی از افراد و گروه‌ها

جاهلانه یا عامدانه با پیروی از تحلیل‌های شبهه‌دار افرادی مانند «علی‌علیزاده» لندن‌نشین یا برخی رسانه‌های رسمی و غیررسمی دیگر به این آتش می‌دمند

علیز یسم علیه وحدت

تجمعات شبانه به عنوان شجره طیبه‌ای که باهمت و غیرت ملت مبعوث از ابتدای جنگ رمضان تا کنون سد مهمی در برابر دشمن ساخته است

به‌مانند هر حرکت مؤثری نیازمند مراقبت دلسوزان و ریش‌سفیدان است



گروه سیاسی | تجمعات شبانه از برکاتی است که به مدد انفاس قدسی رهبر شهید، شکل گرفت و تا همین جا هم بسیاری از بلایا را از سر ایران اسلامی دور داشته است. تجمعات شبانه به عنوان شجره طیبه‌ای که با همت و غیرت ملت مبعوث از ابتدای جنگ رمضان تاکنون سد مهمی در برابر دشمن ساخته، به مانند هر حرکت مؤثری نیازمند مراقبت دلسوزان و تجربه‌مندان است و البته که همین قدرت، بغض دشمنان را برانگیخته و آن‌ها را واداشته تا از هر تمهیدی برای آسیب رساندن به سلامت این سرمایه عظیم و ارزشمند، بهره بگیرند.

در این میان جریان‌هایی هم هستند که دانسته و نادانسته تلاش می‌کنند برخی تجمعات را در شعارها و موضع‌گیری‌ها دچار افراط کنند و بستری برای اجرای نقشه دشمن در ایجاد شکاف بین ملت و دوقطبی سازی در جامعه را فراهم آورند. به‌ویژه وقتی جریان‌هایی با ریشه‌های مشکوک، در تهییج افکار عمومی و به طور خاص برخی تجمعات شبانه می‌کوشند، می‌توان دست‌های فتنه‌انگیز دشمن را در پشت آن دید.

«علی‌علیزاده» منتقد لندن‌نشین، یکی از همین جریان‌هاست که به‌ویژه در هفته‌های اخیر، تیغ تیز انتقادش را متوجه عناصر نظام مقدس اسلامی کرده است؛ او در یکی از تازه‌ترین ویدئوهایش از وزیر خارجه به عنوان شخصی یاد می‌کند که دیدن او، آمریکایی‌ها را نسبت به حمله به ایران، تشویق می‌کند؛ چراکه به ادعای علی‌علیزاده، او برای آمریکایی‌ها یادآور «بیا بزن» و «بدیم بره» و... است. علیزاده در ادامه با لحن غیر قابل قبول، مدعی می‌شود همین مواضع سیدعباس عراقچی طرف آمریکایی را به این باور رسانده که می‌توانند به ایران

حمله کنند و رهبر کشور را به شهادت برسانند.

او حتی به این هم اکتفا نمی‌کند و مدعی می‌شود ادامه این روند می‌تواند به شهادت رهبر جوان انقلاب اسلامی هم بینجامد. تندروی‌ها و اتهام‌پراکنی‌های شخصیت نه‌چندان شفاف علی‌علیزاده البته که مسبوق به سابقه است و او پیش از این هم بارها، بسیاری از عناصر نظام را مورد اتهام وادادگی قرار داده و البته همین ادعاها و اتهام‌پراکنی‌هاست که توسط برخی عناصر ان‌شاءالله صرفاً ناآگاه داخلی، به برخی از تجمعات شبانه‌راه می‌یابد و منشأ تهییج و تحریک جریان‌های تندرو می‌شود تا از تجمعاتی که رهبر

شهید از آن به عنوان «ملت مبعوث» یاد کرده است، اهرمی بسازد که عملاً عناصر کارآمد خودی را نشانه گرفته است؛ و می‌دانیم که در شرایط حساس کنونی، هر کدام از این عناصر، حکم بخشی از بازوی نظام را دارند؛ بازوهایی که باید بتوانند در شرایط پیچیده پیش رو، متناسب با خواست و اراده نظام مقدس، نقشی کلیدی ایفا کنند.

این تحلیل‌های رادیکال و دوقطبی‌ساز از سوی امثال علیزاده و برخی دیگر از فعالان سیاسی از جریان‌های مختلف حتی ممکن است خوراک اتفاقات خطرناک‌تری را نیز فراهم آورد. چه آنکه در روزهای

روزشمار جنگ | روز دویست و بیست و هفتم

گزارش رویترز با استناد به داده‌های ردیابی کشتی‌ها، عبور شناورهای ایران از محاصره‌ای را نشان می‌دهد که به ادعای آمریکایی‌ها نفوذناپذیر است

نفوذ در محاصره نفوذ ناپذیر

انداخته‌اند.

■ فشار بر ذخایر جنگی غرب

جنگ ایران پیامد دیگری هم داشته که کمتر به آن توجه شده است. واشنگتن پست روز پنجشنبه از کمبود شدید موشک‌های رهگیر پاتریوت در اوکراین خبر داد. همزمانی جنگ‌های خاورمیانه و اوکراین، ذخایر تسلیحاتی و ظرفیت تولید مهمات را زیر فشار گذاشته است.

از سوی دیگر، ترامپ در تازه‌ترین اظهاراتش استفاده احتمالی از بمب سنگین متعارف و موسوم به «مادر همه بمب‌ها» علیه ایران را مطرح کرده، اما گفته اعزام نیروی زمینی را پیش‌بینی نمی‌کند. این سخنان به معنای تصمیم قطعی برای حمله نیست. با این حال، نشان می‌دهد واشنگتن همچنان درباره ابزارهای تشدید جنگ بحث می‌کند، در حالی که هزینه تأمین تسلیحات و حمایت از جبهه‌های دیگر نیز رو به افزایش است.

مجموعه تحولات دو روز گذشته نشان می‌دهد جنگ ایران دیگر فقط رویارویی تهران و واشنگتن نیست. رقابت روسیه و چین با آمریکا، بحران امنیت عربستان، فشار بر ذخایر تسلیحاتی غرب و پیچیدگی مسیرهای تجارت انرژی، همگی در سرنوشت آن اثر می‌گذارند. واشنگتن می‌تواند بنادر ایران را محاصره کند، ولی بستن همه مسیرهای اقتصادی، سیاسی و فناورانه کشوری که در متن رقابت قدرت‌های بزرگ قرار دارد، بسیار دشوارتر است. محاصره همچنان برقرار بوده ولی آنچه تحقق نیافته، انزوای کامل ایران است.

■ یمن؛ مسئله‌ای فراتر از توان موشکی

در جبهه یمن، انصارالله روز پنجشنبه کاخ ریاست جمهوری در عدن را هدف حملات موشکی و پهپادی قرار داد. این حمله به یکی از مهم‌ترین مراکز دولت مورد حمایت عربستان انجام شد. تازه‌ترین ارزیابی مشترک پروژه تهدیدات بحرانی و مؤسسه مطالعات جنگ نیز نشان می‌دهد انصارالله با وجود حملات گسترده ائتلاف، همچنان برای محاصره تعز پیشروی می‌کند.

در همین حال مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا، CSIS، روز ۱۵ اکتبر هشدار داده عربستان با تشدید عملیات نظامی ممکن است بار دیگر درگیر جنگی طولانی شود؛ جنگی که افزایش حملات هوایی، پایان آن را تضمین نمی‌کند.

این تحولات اهمیت سیاسی دارند. ریاض با وجود ائتلاف‌سازی تازه، هنوز برای تأمین امنیت پایدار با دشواری روبه‌رو است. اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس نیز نشست برنامه‌ریزی‌شده خود در عربستان را به‌دلیل نگرانی‌های امنیتی به تعویق

دیدگاه

محمد ولایی | طی دو هفته اخیر تعداد حملات به کشتی‌های متخلف در هرمز از هر بازه دیگری بالاتر رفته است. با وجود این بازار نفت به این حوادث واکنش چندانی نشان نداده و قیمت نفت همچنان در حوالی ۱۰۰ دلار درجا می‌زند. نه به این دلیل که این‌ها ضربات کوچکی بوده‌اند، بلکه به این دلیل که چنین ضرباتی دیگر بازار را غافلگیر نمی‌کند و اثرش را طی ماه‌های قبلی پیش‌خور کرده است. باز و بست تنگه طی ماه‌های اخیر آن قدر پرنوسان بوده که مجموع نفت خامی که طی ماه‌های اخیر از روزه‌های تنگه هرمز، به‌علاوه ساحل غربی عربستان و ساحل شرقی امارات به بازار راه یافته، به حدود پیش از جنگ برگشته بود. تا جایی که مؤسسه کپلر تعریف خود از سناریو پایه تنگه هرمز را عوض کرد: «عادی‌سازی کند و مدیریت‌شده، بدون توافق جامع» که نشان می‌دهد بازار نفت با پذیرش ریسک و قیمت فعلی نفت، انتظار پایان بحران را نمی‌کشد. داده‌ها نشان می‌دهند اختلال در کشتیرانی و افزایش هزینه حمل واقعی بوده، اما بازار جهانی اگر نتوانند مسیر را ببندند، صرفاً در تلاش کرده‌اند. حملات موردی اگر نتوانند مسیر را ببندند، صرفاً در ستون حوادث جای می‌گیرند و ریسک‌شان با کرایه بیشتر و بیمه بالاتر پوشش داده می‌شود. در چنین وضعیتی، هر روز تأخیر در واکنش جدی به عبور از هرمز می‌توانست فرصتی برای عادی‌سازی و مهار هزینه‌های آن باشد.

موج اخیر تنبیه شناورهای متخلف البته بی‌حاصل هم نبوده؛

هرمز علیه عادی‌سازی

ناوهای دشمن عقب‌تر رفته‌اند، تصویر اسکورت امن آمریکایی ترک خورده، میزان عبور نفت کاهش یافته و فشار آتی بر بازار نفت، کاخ سفید را به دست‌کاری در فهرست تحریم‌های خود واداشته است تا نشان دهد فشار مؤثر بر بازار انرژی می‌تواند دشمن را به بازنگری در ابزارهایش وادار کند.

خزانه‌داری آمریکا تعدادی از ناوگان سایه ایران را که در «عملیات انزوای اقتصادی» تحریم کرده بود، با هدف کاستن از فشار بازار و مهار کرایه بی‌سابقه نفتکش‌ها از تحریم خارج می‌کند. این دومین بار طی دهه اخیر است که بخشی از تحریم‌ها بدون هیچ مذاکره‌ای تعلیق می‌شوند و هر بار در طول جنگ اخیر و پس از تشدید تنش توسط ایران بوده است!

البته این دستاورد حداقلی را نمی‌توان به منزله پیروزی تلقی کرد؛ چون در عین عقب‌نشینی دشمن، روزه موقتی است برای تعدیل فشار و مهار آثار جانبی تحریم و اثرگذاری روانی بر بازار که همچنان در چارچوب تحریم‌های آمریکا و تلاش برای جلوگیری از فروپاشی نظام تحریم‌ها صورت‌بندی می‌شود. به این عقب‌نشینی نمی‌توان قناعت کرد و باید با حفظ آهنگ فشار، سناریو عادی‌سازی و تعدیل را هم به چالش کشید.

جلوگیری از ضرر، هر وقت که انجام شود منفعت است؛ اما چنین منفعتی نمی‌تواند با منافع اقدام به‌موقع برابری کند. این اقدام درست، در زمانی انجام می‌شود که بخشی از ظرفیت اثرگذاری آن از دست رفته است. چون دشمن طی این مدت فرصت پیدا کرده مسیرهای جایگزین را فعال کند، ذخایر را به کار بگیرد، صادرات را از مسیرهای دیگر افزایش دهد و افکار عمومی و بازار را برای تداوم بحران آماده کند. در نتیجه نباید توقع داشت اثر چنین اقدامی ۶ماه پس از جنگ با اثر روزهای نخست بحران یکسان باشد.

هر تأخیری در نقد کردن اثر تنگه ممکن است این اهرم موقت را به زیان بلندمدت تبدیل کند. هرچه تجارت جهانی بیشتر به مسیرهای جایگزین، پایانه‌های تازه و مبادی جدید انرژی متکی شود، بخشی از قدرت چانه‌زنی آینده تنگه کاهش می‌یابد. هدف باید استفاده دقیق از اهرم برای حفظ قدرت اثرگذاری در بلندمدت باشد، نه صرفاً ایجاد اختلال‌های پراکنده در کوتاه‌مدت. اما گذشته از این‌ها نوک پیکان اعمال حاکمیت بر هرمز باید به سمت ماشینی باشد که در پی حذف تنگه از معادلات است. تا وقتی فجیره با خط لوله ۲میلیون بشکه‌ای و ینبع با خط لوله ۶میلیون بشکه‌ای تنگه را دور می‌زنند و چشم‌انداز روشنی برای طرح‌های مشابه ایجاد کرده‌اند، برخورد با شناورهای خلیج فارس نمی‌تواند در اولویت باشد. تأخیر در برخورد با مسیرهای جایگزین هم ممکن است اثر آن را کاهش دهد.